

<div>اشاره</div>
<div>بسیاری از پژوهشگران حوزه سیاست خارجی روی این اصل اجماع نظر دارند که سیاست خارجی مداوم سیاست داخلی کشورهاست و تغییر و تحولات داخلی مثل انقلاب، کودتا، انتخابات و جابه جایی دولت‌ها و احزاب، تأثیر قابل انکاری روی سیاست خارجی کشورها دارد؛ آمریکا نیز از این قاعده مستثنی نیست. ۷۵روز دیگر در تاریخ ۱۳ آبان، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا قرار است در صورتی که اتفاق خاصی نیفتد بر گزار شود. در صورت شکست «دونالد ترامپ» و پیروزی «جو بایدن»، انتظار می‌رود تحولات گسترده‌ای در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی این کشور رخ دهد. تغییر احتمالی دولت در آمریکا مسلماً در سیاست خارجی این کشور تغییراتی را به دنبال خواهد داشت؛ اما این تغییرات بسته به ماهیت موضوع و نوع مسئله بسیار متفاوت خواهد بود. در این نوشتار به دنبال پاسخ به سوالات هستیم که چه نسبتی بین اهداف اعلامی و اعمالی در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد؟ و آیا با تغییر احتمالی دولت در آمریکا و ورود تیم بایدن و معاونش «کامالا هریس» به کاخ سفید، سیاست خارجی آمریکا را در قبال جمهوری اسلامی ایران، آن گونه که برخی در کشورمان به آن امید بسته‌اند، تغییر خواهد داد و گشایشی در امور حاصل خواهد شد؟</div>
<div>سرویس خارجی کیهان</div>

اوضاع بحرانی سیاست داخلی

۷۵روز دیگر در تاریخ ۲ نوامبر سال جاری میلادی (۱۳ آبان ۱۳۹۹) انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا برگزار خواهد شد. این انتخابات پنجاه و نهمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است. انتخابات پیش رو از دو جنبه سیاست داخلی و خارجی آمریکا بسیار حائز اهمیت است. در داخل آمریکا کرونا این کشور را به بحرانی عمیق برده فرد است و آمار و ارقامی که رسانه‌های آمریکا در این زمینه منتشر می‌کنند به وضوح از عمیق‌تر شدن این بحران حکایت دارد. بر اساس گزارش‌ها بحران اقتصادی کنونی آمریکا در طول ۹۰ سال گذشته و از زمان بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به این سو بی‌سابقه بوده است. طبق اطلاعات دفتر پژوهش‌های اقتصادی آمریکا، تولید ناخالص داخلی که شاخص فعالیت اقتصادی در این کشور است، ۲۲٫۹ درصد کاهش یافته است و این رقم از ۱۹۷۴ تا کنون یعنی از زمان آغاز فعالیت دفتر پژوهش‌های اقتصادی بی‌سابقه بوده است. «نتسی پلوسی»، رئیس‌مجلس نمایندگان آمریکا اخیراً هشدار داده که «مردم در سراسر آمریکا گرسنه و بیکارند!». کرونا بیش از ۵۴ میلیون بیکار نیز به لشکر بیکاران آمریکا اضافه کرده این آمار روز به روز در حال افزایش است «برنی سندرز» سناتور مشهور آمریکایی با بیان اینکه «فتق‌ا آمریکا در حال غش کردن است» گفته «۳۰ میلیون کارگر آمریکایی قادر نیستند مزایای بیکاری خود را تمدید کنند». آمارهای رسمی‌وزارت کشاورزی آمریکا نیز نشان می‌دهد بیش از ۴۱میلیون آمریکایی – یک‌هشتم شهروندان این کشور – دچار عدم‌امنیت غذایی شده‌اند. تحقیقات بخش نظرسنجی از خانوارها در اداره آمار آمریکا نیز نشان می‌دهد نزدیک به ۱۴ میلیون کودک آمریکایی به دلیل مشکلات مالی خانوارها اغلب غذای کافی نخورده‌اند. نتایج نظرسنجی موسسه آمریکایی «مداران با کودکان جوان» هم نشان می‌دهد که ۱۷٫۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند فرزندانشان از زمان شیوع همه‌گیری کرونا به دلیل ناتوانی مالی آنها دچار سوء تغذیه شده‌اند. یک تحقیق دیگر نشان می‌دهد، همه‌گیری کرونا باعث دو برابر شدن ناامنی غذایی در آمریکا شده است. ۴۰ درصد خانوارهایی که از این مدت به بانک‌های غذا مراجعه کرده‌اند اولین بارشان بوده است. همزمان منابع رسمی در آمریکا می‌گویند، بحران کرونا باعث شده، میلیون‌ها نفر در این کشور با خطر بی‌خانمی مواجه شوند. پایگاه اینترنتی «پیرینس سلطانی» اخیراً در این زمینه گزارش داده بود که، با پایان اجرای طرحی از سوی دولت فدرال آمریکا مبنی بر «حمویت بیرون راندن مستأجران از خانه‌های خود در دوران کرونا»، ۲۸ میلیون نفر در این کشور بی‌خانمان خواهند شد. پایگاه اینترنتی آمریکایی «لومبرگ» نیز در گزارشی نوشته بود ۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار خانواده ماه ژوئیه (تیر ماه) امید چندانی نداشتند بتوانند کرایه خانه ماه آینده خود را بپردازند. سن‌آلان نیز در گزارش خود نوشته است «تیموتی واکر اعلام کرده نوشت، احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی(۴ تا ماه دسامبر) ۴ میلیون نفر از مردم آمریکا بی‌خانمان خواهند شد. سنی است ان در ادامه هشدار داده اگر «شرایط تغییر نکنند ممکن است بیش از شدیدترین بحران ممکن در تاریخ خود روبرو شود».

بسیاری از کارشناسان در آمریکا معتقدند ادامه این شرایط اسف بار اقتصادی از یک سو و ادامه اعتراضات گسترده ضد ژاندریستی‌ستخاری در سراسر آمریکا که در تاریخ این کشور بی‌سابقه است وضعیت را به‌گونه‌ای رقم زده که شانس ترامپ برای پیروزی مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را بسیار ضعیف کرده است. نظرسنجی‌های معتبر انجام شده تا این لحظه نیز نشان می‌دهد که ترامپ در اغلب این نظرسنجی‌ها از رقیب دومکرات خود عقب افتاده و شانسی برای پیروزی مجدد ندارد. هر چند باید ادعا نمود کرد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی نیز نظرسنجی‌ها از پیروزی قاطع هیلاری کلینتون خبر می‌دادند اما نتیجه به گونه دیگری رقم خورد، لذا نمی‌توان اعتبار بالایی برای نظرسنجی‌ها قائل شد. از سوی دیگر برخی معتقدند با توجه به ویژگی‌های روانی و شخصیتی ترامپ که بسیار خودشیفته است و تحمل شکست را ندارد در صورت شکست نیز به راحتی تسلیم نشده و در نهایت از تشن آمریکا مجبور شود مداخله کرده و او را از کاخ سفید بیرون کند. در این میان واکنش طرفداران ژاندریست و کاملاً مسلح وی را نیز نباید در تحلیل‌ها نادیده گرفت. آیا آنها شکست ترامپ را خواهند پذیرفت یا به خیابان‌ها می‌ریزند و آشوب به پا می‌کنند باید متفوق بود تا ۱۳ آبان سیر کرد.

از ادعا تا واقعیت

بسیاری در غرب و شرق عالم با توجه به شرایط پیش گفته شده امیدوارند که بایدن دومکرات در انتخابات سوم نوامبر (۱۳ آبان) ترامپ را شکست داده و با پیروزی بایدن سیاست خارجی آمریکا نیز که در دوره ترامپ از ریل خارج شده بود به مسیر اصلی خود برگردد. در این امر نیز برخی جریانات امیدوارند ترامپ نتواند در این انتخابات پیروز شود و بدین ترتیب با رفتن یک دموکرات به کاخ سفید سیاست خارجی آمریکا در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز تغییر کند. در مورد سیاست خارجی آمریکا در این بخش به دنبال پاسخ به سه سوال هستیم اول، چه نسبتی بین اهداف اعلامی و اهداف واقعی در سیاست خارجی آمریکا وجود دارد؟، آیا تغییر دولت‌ها و روسای جمهور آمریکا در تغییر در سیاست خارجی آمریکا به خصوص در قبال جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود؟ و سوال سوم، تیم «جو بایدن» و «کامالا هریس» چه دیدگاهی درباره ایران و رژیم صهیونیستی دارند؟

کی سیاست خارجی را پیگیری اهداف ملی در محیط

بین‌المللی تعریف کنیم؟ اهداف سیاست خارجی این کشور در متون رسمی، نهادی و کامیکنیک این کشور این‌گونه عنوان شده است: ساختن جهانی دموکراتیک، ترویج صلح، دموکراسی، حقوق بشر، تجارت آزاد و دفاع از این مقایحه در برابر دشمنان آزادی، بعد از ۱۱ سپتامبر نیز مقایله با تروریسم، و گروه‌های چالگری از سوی دستبندی این گروه‌ها و دولت‌های سرکش به سلاح‌های

کشورهای افغانستان، پاکستان، یمن، عراق، لیبی، سومالی

و… به خاک و خون کشیده‌اند.
بسیات آمریکایی «هیئت پرس» درباره گسترندگی کشتنار غیرنظامیان توسط پهپادهای ارتش آمریکا در کشورهای مثل سوریه، لیبی، افغانستان و یمن می‌نویسد: «حمله پهپادهای ارتش آمریکا در دوره ترامپ ۸ برابر بیشتر از دوره اواما است، درحالی‌که این حمله‌ها در زمان اوپاما نسبت به دوره بوش افزایش ۱۰ برابری یافت؛ اینک میزان کشتار غیرنظامیان در دوره ترامپ ۸۰ بار بیش از دوره بوش است و به عبارت دیگر، دونالد ترامپ در مسیر شکستن حد تصاب جنایت جنگی است.»
آخرین مورد از این جنایت‌های پهبادی آمریکا نیز تروور ناچوانر دانه سردار رشید سپاه اسلام، سپهد سلیمانی قهرمان مبارزه با تروریسم با توجه مبارزه با تروریسم انجام شد. در هیچ یک از این موارد روسای جمهور آمریکا(بوش پسر، اوپاما و ترامپ) برای استفاده از پهپادها در کشتار غیرنظامیان نه تنها عذرخواهی نکرده‌اند، بلکه در بسیاری از موارد دفاع و توجیه نیز کرده‌اند. این شفاف گسترده بین اهداف اعلامی و اهداف اعمالی در خاورمیانه بسیار عمیق‌تر است به طوری که دولت ترامپ که حقوق بشر، آزادی و دموکراسی را چراغ

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

که متوسلی نظم احترامی‌ برای مبانی و اصول قوام‌دهنده به این نظم قائل نیست و روز به روز نهادها و رژیم‌های بین‌المللی به همین دلیل اعتبار خود را بیش از پیش از دست می‌دهند.

ایران و سیاست خارجی آمریکا

بسیاری از پژوهشگران حوزه سیاست خارجی روی این اصل اجماع نظر دارند که سیاست خارجی ندام سیاست داخلی کشورهاست و تغییر و تحولات داخلی مثل انقلاب، کودتا، جابه جایی دولت‌ها یا احزاب پارلمانی تأثیر غیرقابل انکاری روی سیاست خارجی کشورها دارد. از سوی دیگر روز میز سیاست خارجی کشورها بسیاری از نپادهای داخلی حضور دارند و در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشارکت دارند و خروجی این میز همان سیاست خارجی است که وزارت خارجه آن را در بیرون به عبارت دیگر هدف هر دو حزب تغییر رژیم در ایران است اما جمهوری‌خواهان این کشور بسیاری از نپادهای مثل فشار حداکثری از بیرون، افزایش شدید تحریم‌ها و اقدامات منکثر ساختار سیاسی این کشور بسیاری از نپادهای مثل رئیس‌جمهور، کنگره، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی مثل سیا، شورای امنیت ملی، مشاور امنیت ملی، پنتاگون و… به ایفای نقش می‌پردازند. در این میان نقش لایه‌های نیز بسیار برجسته است. لایه‌های در همه ارکان قدرت آمریکا چه

<div>برخی جریانات سیاسی در ایران به این امید واهی دل بسته‌اند که با پیروزی احتمالی بایدن او تحریم‌ها را برداشته و فشارها بر ایران نیز کم خواهد شد.</div>

ضدایرانی در آمریکا با توجه به اصل گفته شده پیشین و همچنین لایه قدرتمند صهیونیستی آپیک تغییر چندانی حاصل نمی‌شود و تنها شویهای مقابله تغییر خواهد کرد. به عبارت دیگر هدف هر دو حزب تغییر رژیم در ایران است اما جمهوری‌خواهان این کشور بسیاری از نپادهای مثل فشار حداکثری از بیرون، افزایش شدید تحریم‌ها و اقدامات منکثر ساختار سیاسی این کشور بسیاری از نپادهای مثل یک‌جانبه دیگر دنبال می‌کنند اما دموکرات‌ها تغییر رژیم را از طریق اجماع‌سازی در نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همراه کردن سایر کشورها با خود و استحاله از درون دنبال

تصمیم ترامپ برای خروج از آن بود. او در آن زمان در مقاله‌ای برای «تاتلتیک» نوشت تحریم‌ها علیه ایران تنها در صورتی موفق خواهند بود که از حمایت جهانی برخوردار باشند و بتوانند حمایت شریکان تجاری ایران را جلب کنند. این دیدگاه او اشتباه از آب درآمده و او یک سال بعد در مقاله‌ای مشترک با «پیل برنز»، مقام سابق حزب دموکرات اعتراف کرد که «فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های یکجانبه آمریکا قابل توجه‌تر از آن چیزی بوده که آنها پیش‌بینی می‌کرده‌اند»

آسیا تایمز در ادامه گزارش خود نوشته است: «سالیوان گفته است ایرانی‌ها باید واقع‌بین تر باشند. تصور کاهش عمده تحریم‌ها از سوی آمریکا بدون دریافت ضمانت‌هایی از ایران مبنی بر آغاز مذاکره فوری در سرر توافقی که در آن دست‌کم چارچوب‌های زمانی توافق بسط داده شده و مسائل مربوط به راستی آزمایی و موشک‌های بالستیک قراربیم‌ا حل شده باشند، غیرعملی است.» آسیاتایمز نوشته بین مه ۲۰۱۸ (زمان خروج آمریکا از برجام) و ژانویه سال جاری(۲۰۲۰)، موضع سالیوان از بی‌اثر بودن تحریم‌های یکجانبه آمریکا به اینکه «دیون دریافت ضمانت از تهران»، خبری از کاهش تحریم نیست،

همچنان که بایدن و معاونش و مشاوران این دو بر افزایش فشارها بر ایران در حوزه‌های امنیتی، موشکی، مسائل منطقه‌ای و داخلی افساق نظر دارند بر حمایت قاطع نیز از رژیم صهیونیستی اصرار می‌ورزند. شومول روستنر، ستون‌نویس صهیونیست اخیراً در این باره در مطلبی در روزنامه نیویورک تایمز نوشته است: «بایدن یک صهیونیست است و اسرائیل کاملاً از انتخاب او سادمان خواهد شد.»
وی ادامه می‌دهد:«در میان یادداشت‌هایی که به دوران همکاری من با یک روزنامه اسرائیلی درباره سیاست آمریکا مرتبط بود، پنج مورد اشاره جو بایدن به مسئله اسرائیل را یافتم. بیشتر آنها برای سال ۲۰۰۸ بودند؛ اول زمان رقابت داخلی دموکرات‌ها که بایدن رقیب باراک اوپاما بود و بعد انتخابات سراسری که بایدن کنار اوپاما قرار گرفته بود. من آن انتخابات را برای‌ها‌نص پوشش می‌دادم و هر نوع اشاره‌ای به اسرائیل مورد توجهم قرار می‌گرفت. بایدن این داستان را تقریباً پنج مرتبه گفته؛ هر زمان او نیاز داشت که روی تعهد بلندمدت بر امنیت اسرائیل تأکید کند، این چیزی است که اغلب به آن مراجعه می‌کردن‌بایدن این‌طور آغاز می‌کرد که «تمام نخست‌وزیران اسرائیل از زمان گلدا مایر من را می‌شناسند. آخرین اشاره‌ای که توانستم درباره مطلب گلدا مایر پیدا کنم مربوط به آوریل ۲۰۱۵ بود. این اظهارات این‌طور آغاز شد: نام من جو بایدن است و همه می‌دانند که من عاشق اسرائیل هستم.» شومول روستنر» در ادامه یادداشت خود در نیویورک تایمز می‌نویسد:«بر اساس غریزه‌ام، به هر سیاستمداری که از این عبارت‌های پر آب و تاب استفاده کند، مشکوکم اما گمان نمی‌کنم که احساسات بایدن درباره اسرائیل صرفاً برای خشنود کردن جمعیت بوده باشند. وقتی از مقام‌های اسرائیلی پرسیدم که چه کسی بایدن را می‌شناسد، به من گفتند که احساسات او واقعی است. یک مقام اسرائیلی ارشد که سال‌ها بایدن را می‌شناسد، به من گفت که از چشم‌انداز اسرائیلی، او یک نامزد ایده‌آل دموکرات است.البته پیش‌بینی سیاست‌های دقیق دولت بایدن در خاورمیانه احمقانه خواهد بود. اما گذشته و تاریخی وجود دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. گذشته از همه اینها، بایدن یک تازه وارد نیست؛بایدن نگرانی‌های اسرائیل را درک می‌کند. او نیاز استفاده از زور را درک می‌کند. تمایلات عملگراییانه و رفتار مستقیم، او را به شخص مورد ستایش اسرائیلی‌ها و فردی که می‌شود به سادگی با او کار کرد، تبدیل می‌کند.اسرائیل همچنین امیدوار است که بایدن فرصتی را فراهم کند که دوباره تل‌آویو به‌عنوان یک مسئله فرآ حزبی واقعی در آمریکا ظاهر شود. بایدن به گفته خودش یک صهیونیست و یک حامی دیرینه اسرائیل است که با مسائل و بازیکنان اصلی آشناست، کسی که نگرانی‌های امنیتی ما را درک می‌کند.»
جو بایدن مهر ماه ۹۲ نیز گفت‌وایی که معاون باراک اوپاما بود در کنفرانس یهودیان در واشنگتن تصریح کرده بود:«یک پیوند اخلاقی میان آمریکا و اسرائیل وجود دارد چرا که تل‌آویو حامی منافع کاخ سفید در منطقه خاورمیانه است و اگر نبود منافع و امنیت ما به خطر می‌افتاد. اگر اسرائیل نبود، ما با مقابله با دیگری می‌ساختیم تا حامی منافع ما با مقابله باشد. حمایت آمریکا از امنیت اسرائیل تزلزل‌ناپذیر است، همین و بس» سناتور «کامالا هریس» که اخیراً به‌عنوان معاون بایدن انتخاب شده است کمی از رئیس خود در حمایت از صهیونیست‌ها نسنارد. «کاملا هریس» ۵۵ ساله زنی سیاهپوست با تباری هندی– جامائیکایی است و در بین سیاهان و رنگین پوستان آمریکایی باشد. هریس سال ۲۰۱۹ یکی از کاندیداهای مقدماتی حزب دموکرات برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ بود. وی در طول سال‌های گذشته همواره مورد حمایت لابی صهیونیستی آپیک بوده است. کاملا هریس مانند دیگر سیاستمداران دو حزب دموکرات و جمهوریخواه از حامیان رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید سخنان وی در جریان گردهمایی این لابی در سال ۲۰۱۷ چنین موضوعی را به وضوح اثبات می‌کند. «هریس» در این گردهمایی گفته بود: «فکر می‌کنم اسرائیل هرگز نباید موضوعی جزئی باشد. تا زمانی که من سناتور ایالات متحده باشم، هرآنچه بتوانم برای بسط حمایت دو حزبی از امنیت اسرائیل و حق اسرائیل برای دفاع از خود، انجام می‌دهم.» وی از حق ترین مخالفان جنبش حمایت رژیم صهیونیستی نیز هست. وی همچنین قیلاً حمایت خود را از گسترش شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در راضی اشغالی اعلام کرده است.هریس در سخنرانی نشست سالانه ۲۰۱۷ آپیک گفته بود: «من وقتی در منطقه B بزرگ می‌شدم با افتخار یاد می‌آید که ما و موسسات و خیریه‌های مالی یهودی برای کاشتن درخت برای اسرائیل کمک مالی می‌کردیم. سال‌ها بعد که برای اولین بار اسرائیل را دیدیم، میوه‌های آن تلاش و نبوغ اسرائیل را دیدیم و مشاهده کردم که واقعا چطور یک بیابان شکوفا شده.وی از ۲۰۱۶ و انتخابات به‌عنوان سناتور ایالت کالیفرنیا در مجلس سنای ایالات متحده، تا کنون دو بار در لابی آپیک سخنرانی کرده است. هریس در انتخابات سال ۲۰۱۶ از حمایت دو سناتور ارشد و نام‌آشنای یهودی کالیفرنیا به نام‌های «راباربا واکسر» و «دایان فین استاین» برخوردار شد.

چرخش پیدا کرده است. سالیوان و بیل برنز هیچ‌کدام اخیراً درباره ایران اظهارنظر نکرده‌اند اما آسیاتایمز پیگیری اصل «همه چیز بدون ایران» پیگیری شود. فشار از بیرون یا به «تغییر رژیم» جمهوری اسلامی ایران یا به «تغییر رفتار» ایران در منطقه و نظام بین‌الملل منتهی شده و دولت ایران به یک دولت عادی تبدیل خواهد شد در این صورت نیز نظامی تهی از هویت اسلامی و انقلابی و مدافع نظم موجود فرق چندانی با تغییر رژیم منظور جمهوری‌خواهان نخواهد داشت.

دیدگاه بایدن و هریس



<div>کاملا هریس: تا زمانی که من سناتور آمریکا باشم، هر آنچه بتوانم برای بسط حمایت دو حزبی و امنیت اسرائیل و حق اسرائیل برای دفاع از خود، انجام می‌دهم.</div>
<div>کاملا هریس: من با افتخار به موسسات و خیریه‌های ملی یهودی برای کاشتن درخت برای اسرائیل کمک مالی می‌کردم.</div>

است «دموکرات‌ها حرکت دولت ترامپ به‌سمت جنگ با ایران را متوقف کرده و دیپلماسی هسته‌ای، تنش‌زدایی و دست‌بگیرند بعد است که توافق هسته‌ای را احیا کنند. دموکرات‌ها دو سال پیش با خروج آمریکا از برجام مخالفت کردند، به این حال بنظر می‌رسد اکنون حمایت از سیاست را تغییر ندادند. یکی از سردمداران این چرخش موضع، «جیک سالیوان»، مشاور سابق «جو بایدن» در امور امنیت ملی و دستیاران «هیلاری کلینتون» است. وقتی جو بایدن اعلام کرد که قصد دارد برای احیای توافق ریاست‌جمهوری راه را برای ازسرگیری حرکت ایران به‌سمت قابلیت ساخت خروج یکجانبه آمریکا با برجام ما را از متحندان مان جدا و ۲۰۲۰ نامزد شود نخستین گزینه او برای مشاور سیاست خارجی، «جیک سالیوان» بود، بنابراین، در صورتی که بایدن پیروز انتخابات شود، سالیوان احتمالاً نقش مهمی در سیاست آمریکا در جهان بازی خواهد کرد. جیک سالیوان یکی از طرفداران سرسخت برجام و از جمله مخالفان

در دولت چه در کنگره و احزاب دموکرات و جمهوری خواه دور تا دور نهادهای رسمی حضور دارند و در سیاست‌سازی و تعیین خط مشی‌های سیاست خارجی نقش مهم و بسیار جدی دارند. اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر معتبر آمریکایی خود نیز به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و مسائل امنیتی مثل لایه‌ها نقش برجسته‌ای در تصمیم‌سازی سیاست خارجی ایفا می‌کنند. شخص رئیس‌جمهور در آمریکا چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی اختیارات ویژه و بسیار گسترده‌ای دارد، به‌ویژه اگر در کنگره طرف حمایت رئیس‌جمهور سر کار باشد، وی می‌تواند بسیاری از ایده‌های خود را عملیاتی سازد. شخصیت رئیس‌جمهور اینکه وی آدم جسور ترسو، و یا محتاطی است؟ اینکه وی تمایل به آمریکا به برسی واقعیت‌ها دارد؟ مسائل امنیتی وی و اینکه به کدام طبقه در آمریکا تعلق دارد و اینکه به چه کسی یا کسانی و کدام نهادهای یا حتی رسانه‌ها اعتماد دارد؛ در این میان بسیار مهم است. به این نکته نیز باید ادعا کرد که در آمریکا تمرکز تصمیم‌گیری در سیاست خارجی این کشور به لحاظ قانونی غیرممکن است چرا که قانون اساسی این کشور رئیس‌جمهور را به‌عنوان فرمانده کل قوا مسئول هدایت نیروهای نظامی و مسئولیت‌تأمین بودجه نظامی این نیروها و تأمین هزینه‌های تمامی نهادهای مرتبط با سیاست خارجی را در دستان کنگره این کشور متمرکز کرده است و کنگره با ایزاز بودجه می‌تواند رئیس‌جمهور را در سیاست خارجی به‌ویژه در شرایط بحرانی و جنگی کنترل کند.

تغییر دولت‌ها و جنگی کنترل کند. این کشور تغییراتی را در دنبال خواهد داشت اما این تغییرات بستگی به ماهیت موضوع و نوع مسئله بسیار متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال تغییر دولت در آمریکا در مورد مسائل سیاست خارجی آمریکا مثل ناتو، افزایش یا کاهش نیروها در اروپای شرقی، شیوه مواجه با روسیه با چین، افزایش یا کاهش نیروها در غرب آسیا، نحوه مواجه با مسائل کشورهای آمریکای لاتین مثل کوبا یا ونزوئلا، کمک‌های مالی آمریکا به احزاب و نهادهای مدنی و سایر دولت‌ها ممکن است تغییراتی ایجاد کند؛ چرا که اجماع نظری در مورد این مسائل در دو حزب وجود ندارد و کنگره و جمهوری خواه وجود ندارد و بسته به اینکه کدام دیدگاه در کنگره و ریاست جمهوری تفوق داشته باشد؛ تغییراتی در مورد سیاست خارجی آمریکا در این موضوعات صورت خواهد گرفت. اما برای موضوعات زیر در دو حزب اول (دموکرات و جمهوریخواه) آمریکا وجود دارد که اجماع بسیار بالایی در مورد آن وجود دارد و با تغییر دولت‌ها نیز این اجماع جابه جایی نمی‌شود و تنها در مورد رویکردها شاید تغییراتی صورت پذیرد.

دو موضوع مقابله با جمهوری اسلامی ایران و حمایت قاطع و بی‌چون و چرا از رژیم صهیونیستی از جمله این مسائل مهم در سیاست خارجی کشور هستند در بسیاری از رای‌گیری‌ها علیه ایران چه در مجلس نمایندگان و چه در مجلس سنا معمولاً قطعنامه‌ها با رای بسیار قاطع و نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات تصویب می‌شود که نشان از اجماع نظر ضدایرانی هر دو حزب دارد. لذا چون ساختار سیاسی آمریکا اجازه نمی‌دهد دولت و کنگره از افرادی غیر از این دو حزب تشکیل شود و چون مقابله با جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای مهار و کنترل آن و تبدیل آن به یک بازیگر عامل مدافع نظم موجود در بین خاورمیانه و در قبال تهدیدها را ساختار نظامی کشور میسر نمی‌آید، لذا با وجود توافق بین‌المللی که در صورتی که به جرات می‌توان گفت با تغییر دولت‌ها در راهبرد کلان

سیاستمداران دموکرات نوشته است:«در صورتی که دموکرات‌ها در ماه نوامبر(آبان ماه کنال خرف سفید را به دست بگیرند بعد است که توافق هسته‌ای را احیا کنند. مسائل مهم در سیاست خارجی کشور هستند در بسیاری از رای‌گیری‌ها علیه ایران چه در مجلس نمایندگان و چه در مجلس سنا معمولاً قطعنامه‌ها با رای بسیار قاطع و نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات تصویب می‌شود که نشان از اجماع نظر ضدایرانی هر دو حزب دارد. لذا چون ساختار سیاسی آمریکا اجازه نمی‌دهد دولت و کنگره از افرادی غیر از این دو حزب تشکیل شود و چون مقابله با جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای مهار و کنترل آن و تبدیل آن به یک بازیگر عامل مدافع نظم موجود در بین خاورمیانه و در قبال تهدیدها را ساختار نظامی کشور میسر نمی‌آید، لذا با وجود توافق بین‌المللی که در صورتی که به جرات می‌توان گفت با تغییر دولت‌ها در راهبرد کلان

کشتار جمعی، به لیست اهداف زیبای قبلی اضافه شده است. در طول تاریخ سیاست خارجی آمریکا به خصوص بعد از پایان عصر انزوآرگای و ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم تا کنون همواره روسای جمهور آمریکا از این اهداف کلی و قابل توجه برای توجیه مداخلات و اقدامات خود در سیاست خارجی استفاده کرده‌اند. «فرانکلین دی روزولت»، رئیس‌جمهور آمریکا در زمان جنگ جهانی دوم اساس اخلاقی برای دخالت آمریکا در جنگ جهانی دوم را کوششی برای تأمین آزادی‌های چهارگانه بشر(آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی از فقر و آزادی از ترس) عنوان کرده بود. «هری‌رومن» سی و سومین رئیس‌جمهور آمریکا که دموکرات نیز بود در توجیه حملات اتمی به هیروشیما و ناکارایی و کشتار صدها هزار نفر غیرنظامی که هیچ ربطی به جنگ نداشتند گفته بود: «هیچ‌کس به اندازه من برای استفاده از بمب اتمی، نراحت نیست، اما حمله زاینی‌ها به پزل‌هاپرو و به قتل رساندن اسرای جنگی ما، بسیار مرا آزار می‌دهد.» سایر دولتمردان آمریکا نیز توجیه اخلاقی این حمله را که با هیچ یک از معیارهای حقوق بشری قابل توجیه نیست، تسلیم زاین، پایان دادن به جنگ و

راهنمای سیاست خارجی خود می‌داند رژیم اسرائیل، رژیم

عربستان سعودی و حکومت‌های مترجع و اقتدارگرایی مثل عربستان، مصر و بحرین را دوست و متحد نزدیک خود می‌داند و در مقابل تمام توان سیاست خارجی خود را به‌سوی مقابله با جمهوری اسلامی ایران که در شاخص‌های مردم سالاری به هیچ وجه قابل مقایسه با رژیم‌های مترجعی مثل عربستان، امارات، بحرین و مصر نیست، بسیج کرده است. شاید بتوان این جمله عمیق و معنادار «لوسیگ توتوکویل» را در پاسخ به چرایی این شکاف عمیق بین اهداف اعلامی و اهداف اعمالی در سیاست خارجی آمریکا به کار گرفت این متفکر شهیر فرانسوی در سال ۱۸۳۵ میلادی گفته بود: «زمانی که آمریکا به موقعیت بزرگ دست یابد دیگر تداوم رفتار دموکراتیک آن مشکل خواهد بود.»

آنارشیا است. حکم است. به عبارت دیگر مناسبات کشورها، عرصه روابط بین‌الملل مبنی بر مبارزه با منافع اخلاقی و حقوق بین‌الملل نیست و کشورهای که از جایگاه بالاتری در هرم توزیع قدرت جهانی برخوردار باشند



بایدن: نام من جو بایدن است و همه می‌دانند که

من عاشق اسرائیل هستم.

بایدن: اگر اسرائیل نبود، ما باید اسرائیل دیگری می‌ساختیم تا حامی منافع ما در منطقه خاورمیانه باشد. حمایت آمریکا از امنیت اسرائیل تزلزل‌ناپذیر است.

می‌توانند بدون نگرانی و دغدغه تنبیه از سوی نهادها و رژیم‌های متولی نظم کنونی به اقدامات خلاف خود ادامه دهند. به عبارت دیگر منطق قدرت میل به گسترش دارد و هر زمانی که منافع اخلاقی، قانونی و نهادی در مقابل آن قرار نگیرد طغیان می‌کند. دولت آمریکا نیز که از حجم بسیار عظیم قدرت اقتصادی، سیاسی، نهادی و نظامی در نظام بین‌الملل موجود، برخوردار است و خود نیز بی‌نیانگار و متولی حفظ نظم کنونی می‌داند و باور عمیق‌تری به اخلاقی بودن مدل حکومت و اهداف خود دارد به خود اجازه می‌دهد در تسود نهادی که ضامن اجرایی حقوق بین‌الملل باشد، هر کدام از این اصول و نگرانی‌ها و معاهدات را در احتی نقض کند. در واقع یک‌سازنده‌ها و معاهدات زوال ساختار نظام بین‌الملل کنونی و افول همونی آمریکا را برخی پژوهشگران این می‌دانند

صفحه ۸

شنبه اول شهریور ۱۳۹۹

۲ محرم ۱۴۴۷ – شماره ۲۲۵۴۴

دیپلماتیک سازنده برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران و پرداختن به سایر فعالیت‌های تهدیدکننده این کشور(اعم از سرتیرویی مقدماتی، موشک‌های بالستیک و سرتیورهای داخلی حمایت می‌کنند.» بنابراین این دیدگاه که در صورت پیروزی بایدن فشارها بر ایران کم خواهد شد یا آمریکا بدون چون و چرا به برجام برخواهد گشت یا تحریم‌های جدیدی اعمال نخواهد شد، با تحریم‌های قبلی دوره ترامپ لفو خواهد شد دیدگاهی به بیات ساده‌اندیشانه است.

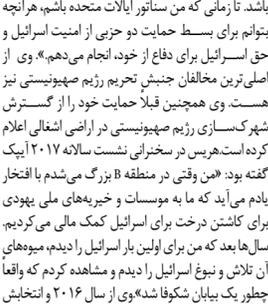
من عاشق اسرائیل هستم!

همچنان که بایدن و معاونش و مشاوران این دو بر افزایش فشارها بر ایران در حوزه‌های امنیتی، موشکی، مسائل منطقه‌ای و داخلی افساق نظر دارند بر حمایت قاطع نیز از رژیم صهیونیستی اصرار می‌ورزند. شومول روستنر، ستون‌نویس صهیونیست اخیراً در این باره در مطلبی در روزنامه نیویورک تایمز نوشته است: «بایدن یک صهیونیست است و اسرائیل کاملاً از انتخاب او سادمان خواهد شد.»

وی ادامه می‌دهد:«در میان یادداشت‌هایی که به دوران همکاری من با یک روزنامه اسرائیلی درباره سیاست آمریکا مرتبط بود، پنج مورد اشاره جو بایدن به مسئله اسرائیل را یافتم. بیشتر آنها برای سال ۲۰۰۸ بودند؛ اول زمان رقابت داخلی دموکرات‌ها که بایدن رقیب باراک اوپاما بود و بعد انتخابات سراسری که بایدن کنار اوپاما قرار گرفته بود. من آن انتخابات را برای‌ها‌نص پوشش می‌دادم و هر نوع اشاره‌ای به اسرائیل مورد توجهم قرار می‌گرفت. بایدن این داستان را تقریباً پنج مرتبه گفته؛ هر زمان او نیاز داشت که روی تعهد بلندمدت بر امنیت اسرائیل تأکید کند، این چیزی است که اغلب به آن مراجعه می‌کردن‌بایدن این‌طور آغاز می‌کرد که «تمام نخست‌وزیران اسرائیل از زمان گلدا مایر من را می‌شناسند. آخرین اشاره‌ای که توانستم درباره مطلب گلدا مایر پیدا کنم مربوط به آوریل ۲۰۱۵ بود. این اظهارات این‌طور آغاز شد: نام من جو بایدن است و همه می‌دانند که من عاشق اسرائیل هستم.» شومول روستنر» در ادامه یادداشت خود در نیویورک تایمز می‌نویسد:«بر اساس غریزه‌ام، به هر سیاستمداری که از این عبارت‌های پر آب و تاب استفاده کند، مشکوکم اما گمان نمی‌کنم که احساسات بایدن درباره اسرائیل صرفاً برای خشنود کردن جمعیت بوده باشند. وقتی از مقام‌های اسرائیلی پرسیدم که چه کسی بایدن را می‌شناسد، به من گفتند که احساسات او واقعی است. یک مقام اسرائیلی ارشد که سال‌ها بایدن را می‌شناسد، به من گفت که از چشم‌انداز اسرائیلی، او یک نامزد ایده‌آل دموکرات است.البته پیش‌بینی سیاست‌های دقیق دولت بایدن در خاورمیانه احمقانه خواهد بود. اما گذشته و تاریخی وجود دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. گذشته از همه اینها، بایدن یک تازه وارد نیست؛بایدن نگرانی‌های اسرائیل را درک می‌کند. او نیاز استفاده از زور را درک می‌کند. تمایلات عملگراییانه و رفتار مستقیم، او را به شخص مورد ستایش اسرائیلی‌ها و فردی که می‌شود به سادگی با او کار کرد، تبدیل می‌کند.اسرائیل همچنین امیدوار است که بایدن فرصتی را فراهم کند که دوباره تل‌آویو به‌عنوان یک مسئله فرآ حزبی واقعی در آمریکا ظاهر شود. بایدن به گفته خودش یک صهیونیست و یک حامی دیرینه اسرائیل است که با مسائل و بازیکنان اصلی آشناست، کسی که نگرانی‌های امنیتی ما را درک می‌کند.»
جو بایدن مهر ماه ۹۲ نیز گفت‌وایی که معاون باراک اوپاما بود در کنفرانس یهودیان در واشنگتن تصریح کرده بود:«یک پیوند اخلاقی میان آمریکا و اسرائیل وجود دارد چرا که تل‌آویو حامی منافع کاخ سفید در منطقه خاورمیانه است و اگر نبود منافع و امنیت ما به خطر می‌افتاد. اگر اسرائیل نبود، ما با مقابله با دیگری می‌ساختیم تا حامی منافع ما با مقابله باشد. حمایت آمریکا از امنیت اسرائیل تزلزل‌ناپذیر است، همین و بس» سناتور «کامالا هریس» که اخیراً به‌عنوان معاون بایدن انتخاب شده است کمی از رئیس خود در حمایت از صهیونیست‌ها نسنارد. «کاملا هریس» ۵۵ ساله زنی سیاهپوست با تباری هندی– جامائیکایی است و در بین سیاهان و رنگین پوستان آمریکایی باشد. هریس سال ۲۰۱۹ یکی از کاندیداهای مقدماتی حزب دموکرات برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ بود. وی در طول سال‌های گذشته همواره مورد حمایت لابی صهیونیستی آپیک بوده است. کاملا هریس مانند دیگر سیاستمداران دو حزب دموکرات و جمهوریخواه از حامیان رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید سخنان وی در جریان گردهمایی این لابی در سال ۲۰۱۷ چنین موضوعی را به وضوح اثبات می‌کند. «هریس» در این گردهمایی گفته بود: «فکر می‌کنم اسرائیل هرگز نباید موضوعی جزئی باشد. تا زمانی که من سناتور ایالات متحده باشم، هرآنچه بتوانم برای بسط حمایت دو حزبی از امنیت اسرائیل و حق اسرائیل برای دفاع از خود، انجام می‌دهم.» وی از حق ترین مخالفان جنبش حمایت رژیم صهیونیستی نیز هست. وی همچنین قیلاً حمایت خود را از گسترش شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در راضی اشغالی اعلام کرده است.هریس در سخنرانی نشست سالانه ۲۰۱۷ آپیک گفته بود: «من وقتی در منطقه B بزرگ می‌شدم با افتخار یاد می‌آید که ما و موسسات و خیریه‌های مالی یهودی برای کاشتن درخت برای اسرائیل کمک مالی می‌کردیم. سال‌ها بعد که برای اولین بار اسرائیل را دیدیم، میوه‌های آن تلاش و نبوغ اسرائیل را دیدیم و مشاهده کردم که واقعا چطور یک بیابان شکوفا شده.وی از ۲۰۱۶ و انتخابات به‌عنوان سناتور ایالت کالیفرنیا در مجلس سنای ایالات متحده، تا کنون دو بار در لابی آپیک سخنرانی کرده است. هریس در انتخابات سال ۲۰۱۶ از حمایت دو سناتور ارشد و نام‌آشنای یهودی کالیفرنیا به نام‌های «راباربا واکسر» و «دایان فین استاین» برخوردار شد.

چرخش پیدا کرده است. سالیوان و بیل برنز هیچ‌کدام اخیراً درباره ایران اظهارنظر نکرده‌اند اما آسیاتایمز پیگیری اصل «همه چیز بدون ایران» پیگیری شود. فشار از بیرون یا به «تغییر رژیم» جمهوری اسلامی ایران یا به «تغییر رفتار» ایران در منطقه و نظام بین‌الملل منتهی شده و دولت ایران به یک دولت عادی تبدیل خواهد شد در این صورت نیز نظامی تهی از هویت اسلامی و انقلابی و مدافع نظم موجود فرق چندانی با تغییر رژیم منظور جمهوری‌خواهان نخواهد داشت.

دیپلماتیک سازنده برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران و پرداختن به سایر فعالیت‌های تهدیدکننده این کشور(اعم از سرتیرویی مقدماتی، موشک‌های بالستیک و سرتیورهای داخلی حمایت می‌کنند.» بنابراین این دیدگاه که در صورت پیروزی بایدن فشارها بر ایران کم خواهد شد یا آمریکا بدون چون و چرا به برجام برخواهد گشت یا تحریم‌های جدیدی اعمال نخواهد شد، با تحریم‌های قبلی دوره ترامپ لفو خواهد شد دیدگاهی به بیات ساده‌اندیشانه است.



<div>کاملا هریس: تا زمانی که من سناتور آمریکا باشم، هر آنچه بتوانم برای بسط حمایت دو حزبی و امنیت اسرائیل و حق اسرائیل برای دفاع از خود، انجام می‌دهم.</div>
<div>کاملا هریس: من با افتخار به موسسات و خیریه‌های ملی یهودی برای کاشتن درخت برای اسرائیل کمک مالی می‌کردم.</div>

است «دموکرات‌ها حرکت دولت ترامپ به‌سمت جنگ با ایران را متوقف کرده و دیپلماسی هسته‌ای، تنش‌زدایی و دست‌بگیرند بعد است که توافق هسته‌ای را احیا کنند. دموکرات‌ها دو سال پیش با خروج آمریکا از برجام مخالفت کردند، به این حال بنظر می‌رسد اکنون حمایت از سیاست را تغییر ندادند. یکی از سردمداران این چرخش موضع، «جیک سالیوان»، مشاور سابق «جو بایدن» در امور امنیت ملی و دستیاران «هیلاری کلینتون» است. وقتی جو بایدن اعلام کرد که قصد دارد برای احیای توافق ریاست‌جمهوری راه را برای ازسرگیری حرکت ایران به‌سمت قابلیت ساخت خروج یکجانبه آمریکا با برجام ما را از متحندان مان جدا و ۲۰۲۰ نامزد شود نخستین گزینه او برای مشاور سیاست خارجی، «جیک سالیوان» بود، بنابراین، در صورتی که بایدن پیروز انتخابات شود، سالیوان احتمالاً نقش مهمی در سیاست آمریکا در جهان بازی خواهد کرد. جیک سالیوان یکی از طرفداران سرسخت برجام و از جمله مخالفان